

# **Comparative Study of Developments in the Commercial Procedural Code Bill with Emphasis on French Law**

1. Amir Khajehzadeh\*: Assistant Professor, Department of Private Law, Da.C., Islamic Azad University, Damghan, Iran.  
Email: Drmolla@gmail.com (Corresponding Author)

## **ABSTRACT**

Transforming commercial litigation without considering the laws of advanced countries in the field of legislation will not be feasible, and this is also true regarding commercial laws in Iran. In recent years, a bill entitled the Commercial Procedural Code has been presented to the Parliament by the Cabinet, which introduces innovations in the field of commercial litigation. Among these innovations are the establishment of commercial courts, the adoption of electronic litigation, the significance of electronic evidence and documents in commercial litigation, the use of commercial advisors in litigation, and the transformation of bankruptcy dispute resolution, among others. Most of the provisions in this bill are derived from the French Civil Procedure Code, and the legislator's aim in this regard is to guarantee the principles of commercial litigation in accordance with updated international laws. Therefore, the aim of this study is to conduct a comparative analysis of the developments in the Commercial Procedural Code Bill with an emphasis on French law using an analytical-descriptive and comparative method. The findings indicate that despite legislative developments, the Commercial Procedural Code Bill ensures the principles of commercial litigation and aligns with the rules of advanced countries in the field of trade. There are also similarities and differences in the legislation of Iran and France in this regard.

**Keywords:** *Commercial litigation, commercial court, commercial dispute, commercial law.*

How to cite: Khajehzadeh, A. (2025). Comparative Study of Developments in the Commercial Procedural Code Bill with Emphasis on French Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 57-75.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 13 January 2025  
Revise Date: 10 February 2025  
Accept Date: 25 February 2025  
Publish Date: 13 October 2025



## مطالعه تطبیقی تحولات حاکم بر لایحه آیین دادرسی تجاری با تأکید بر حقوق فرانسه

۱. امیر خواجه زاده\*: استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. پست الکترونیک: Drmolla@gmail.com  
(نویسنده مسئول)

### چکیده

متحول نمودن دادرسی تجاری بدون در نظر داشتن قوانین کشورهای پیشرفته در عرصه قانونگذاری ممکن نخواهد بود و این موضوع در خصوص قوانین تجاری در ایران نیز محرز است. در سال‌های اخیر لایحه‌ای تحت عنوان لایحه آیین دادرسی تجاری از سوی هیأت دولت، تقدیم مجلس گردیده که نوآوری‌هایی در عرصه دادرسی تجاری به چشم می‌آید که از جمله این نوآوری‌ها را می‌توان در تشکیل دادگاه‌های تجاری، پرداختن به دادرسی الکترونیکی و اهمیت ادله و اسناد الکترونیکی در دادرسی‌های تجاری، استفاده از مشاوران تجاری در دادرسی‌ها، تحول در شیوه رسیدگی به دعاوی ورشکستگی و... را می‌توان به عنوان تحولات حاکم بر لایحه مزبور عنوان نمود. اکثر مقرره‌های موجود در عرصه تحولات لایحه مذکور، متخذ از آیین دادرسی مدنی فرانسه است و هدف قانونگذار در این زمینه را می‌توان تضمین اصول دادرسی تجاری مطابق قوانین به روز جهانی عنوان داشت. از این رو هدف نگاره پیش رو بررسی تطبیقی تحولات حاکم بر لایحه آیین دادرسی تجاری با تأکید بر حقوق فرانسه به روش تحلیلی-توصیفی و تطبیقی است که به این یافته اشاره دارد که لایحه آیین دادرسی تجاری به رغم تحولات تقنینی، تضمین کننده اصول دادرسی تجاری و همسو بودن با قواعد کشورهای پیشرفته در عرصه تجارت قلمداد شده است و از جهاتی تشابهات و تفاوت‌هایی در قانونگذاری ایران و فرانسه در این زمینه قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: دادرسی تجاری، دادگاه تجاری، دعوی تجاری، قانون تجارت.

نحوه استناددهی: خواجه زاده، امیر. (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی تحولات حاکم بر لایحه آیین دادرسی تجاری با تأکید بر حقوق فرانسه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۳)، ۷۵-۵۷.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۳ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۱ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۶ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۱ مهر ۱۴۰۴

با توجه به تغییرات و تحولات پدید آمده در قانون‌گذاری‌های اخیر تجاری، لایحه آیین دادرسی تجاری نیز، یکی از تحولاتی می‌باشد که در سیاست‌های تقنینی تجاری جای گرفته است؛ لایحه مذکور، در نه فصل تدوین گردیده که به ترتیب در فصل اول به تشکیلات دادگاه تجاری و در فصل دوم تا نهم نیز به ترتیب صلاحیت دادگاه تجاری، اقامه دعوی، رسیدگی و صدور رأی، رسیدگی به دلایل، شکایت از آرا، دعوای مشتق، دعوای توقف، مرور زمان در دادگاه تجاری، اجرای موقت احکام مورد تقنین و بررسی قرار گرفته است. با این مقدمه می‌توان تشریح نمود که، در برخی مواقع، مقنن پس از تشکیل مرجع آیین دادرسی آن را معین می‌نماید (Shams, 2024). از این رو هدف از تقنین لایحه مزبور را می‌توان در ماده یک لایحه آیین دادرسی تجاری مزبور جستجو نمود که بیان می‌دارد: «به منظور افزایش دقت و تسریع در روند رسیدگی به امور و دعوای تجاری و اجرای آراء ناظر به آن؛ تقویت نقش عرف به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق تجارت در رسیدگی به این امور و دعوای؛ اجرای سیاست‌های مربوط به اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد زمینه همکاری مؤثر میان دادگاه تجاری ایران با دادگاه‌ها و مراجع رسمی خارجی در خصوص اجرای آراء مربوط به این امور و دعوای و به موجب این قانون، دادگاه تجاری تشکیل می‌شود. آیین رسیدگی به امور و دعوای مزبور بر طبق مقررات این قانون و به شرح مواد آتی است». دادگاه‌های تجاری برای رسیدگی به دعوای ناشی از امور تجاری در حوزه‌های قضایی مرکز هر استان تشکیل می‌شوند. لایحه مزبور، در جلسه ۲۵ آبان ماه سال ۱۳۹۰ هیأت وزیران بنا به پیشنهاد قوه قضاییه به تصویب رسیده و این لایحه از سوی رئیس‌جمهوری برای طی مراحل قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. در این لایحه ۱۳۳ ماده‌ای اشاره شده که دادگاه تجاری برای رسیدگی تخصصی و تسریع در روند رسیدگی به دعوای ناشی از امور تجاری در حوزه‌های قضایی مرکز هر استان تشکیل می‌شود. مطابق قوانین فرانسه، دادرسی باید در مهلتی معقول و متعارف انجام شود در غیر این صورت، می‌تواند به موجب ماده ۷۸۱-۱ کد سازمان قضایی تقصیر سنگین تلقی شده و موجب مسئولیت قاضی گردد (Vincent & Guinchard, 2003). رسیدگی به اموری از قبیل دعوای ناشی از اعمال تجاری، امور شرکت‌های تجاری، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و قراردادهای تجاری بین‌المللی در صلاحیت این دادگاه‌های تجاری است. البته لازم به ذکر است که صلاحیت دادگاه‌های تجاری در حقوق فرانسه عینی است و شخصی نمی‌باشد (Ripert & Roblot, 1991). در حقوق ایران، قضات دادگاه‌های تجاری نیز باید تنها دو شرط سابقه حداقل پنج سال قضاوت در محاکم حقوقی و گذراندن دوره‌های آموزش تخصصی قوه قضاییه را داشته باشند. در مقدمه این لایحه عنوان شده است: «با توجه به توسعه چشمگیر امور و فعالیت‌های تجاری در سال‌های اخیر و اهمیت تنظیم روابط میان تجار در رشد و توسعه اقتصادی کشور و با عنایت به نقش انکارناپذیر رسیدگی تخصصی به امور و دعوای تجاری در توسعه تجارت، تسهیل سرمایه‌گذاری و بهبود شاخص‌های اقتصادی جوامع امروزی و نظر به منسوخ شدن قوانین پیشین که محکمه تجاری براساس آن‌ها تشکیل و استقرار یافته بود و با لحاظ ضرورت احیای مجدد محاکم تجاری و رسمیت بخشیدن به چنین نهادی به منظور تسریع، دقت و تخصص و تسهیل رسیدگی به امور دعوای تجاری و در اجرای بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی و در راستای رشد و شکوفایی جامعه تجاری و تولید کشور، این لایحه برای طی تشریفات قانون تقدیم می‌شود». تدوین لایحه آیین دادرسی تجاری در ایران توسط معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضاییه و تقدیم لایحه به مجلس این نیاز را چند برابر نموده است. در خصوص حقوق فرانسه هر چند قانون خاصی به نام آیین دادرسی تجاری وجود ندارد اما در مواد ۴۱۴/۱ تا ۴۱۴/۷ قانون آیین دادرسی فرانسه تحت عنوان محاکم اختصاصی به دادگاه‌های تجاری مقرراتی را اختصاص داده است که ناظر به ترکیب دادگاه حدود صلاحیت و شیوه رسیدگی است. لازم به ذکر است که اهمیت بحث دادگاه‌های تجاری و آیین دادرسی

تجاری تا بدان جاست که در حقوق فرانسه از سال ۱۸۷۹ کنفرانسی با عنوان کنفرانس عمومی دادگاه‌های تجاری<sup>۱</sup> با هدف تبادل اطلاعات در بین قضات دادگاه‌های تجاری و مطالعه و پاسخ مسائل و مشکلات دادرسی تجاری تشکیل می‌گردد. با این حال دادگاه‌های تجاری و آیین دادرسی تجاری به ندرت موضوع تألفی مستقل قرار گرفته است (Shakeri, 2010). ضرورت ایجاد دادگاه‌های تجاری در کشور ما از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است و با توجه به ضرورت شکل‌گیری دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به امور و دعاوی تجاری، دولت در صدد تصویب لایحه‌ای در همین زمینه برآمد تا از این طریق برخی دشواری‌ها و مشکلاتی که در اجرای این قوانین و روند فعالیت دادگاه تجاری وجود داشت، رفع کند. به طور کلی در نگاره پیش رو به دنبال بررسی این سؤال هستیم که چه تحولاتی بر لایحه آیین دادرسی تجاری در مقایسه با حقوق فرانسه شکل گرفته است؟ که هدف این نوشتار نیز بررسی مطالعه تطبیقی تحولات حاکم بر لایحه آیین دادرسی تجاری با تأکید بر حقوق فرانسه به روش تحلیلی - توصیفی و تطبیقی است که در بخش‌های مختلف به بررسی تحولات حاکم پرداخته می‌شود.

### ۱- تبیین مفهوم آیین دادرسی تجاری

مفهوم آیین دادرسی تجاری متخذ از دو اصطلاح دادرسی و تجارت می‌باشد که می‌توان به تفکیک مورد مطالعه قرار گیرد؛ در معنای تجارت امام کاظم (ع) می‌فرماید: «هر آنچه آدمی روزی اش با آن گشاید، تجارت محسوب می‌شود و از امور تجارت وی است. چه از راه تجارت باشد و چه از راه تولید و چه از راه‌های دیگر». همچون آیه ۲۹ سوره نساء که می‌فرماید: «اموال خود را به باطل نخورید مگر آن که معامله از روی تراضی باشد». تجارت در اصطلاح فقیهان سه کاربرد دارد (Hosseini Ameli, 2012): «۱) مطلق کسب و اکتساب، در این صورت ابواب متعددی از فقه چون بیع، اجاره، صلح، وکالت، مضاربه و جز آن را در بر می‌گیرد. تجارت در این معنا اعم از بیع خواهد بود. ۲) معاوضه به قصد سود بردن، تعبیّرات فقیهان از تجارت در باب زکات همین معنا را افاده می‌کند. ظاهر برخی از آیات و نیز روایاتی که در مدح تجارت و تشویق به آن وارد شده‌اند، ناظر به این معناست، همچنان‌که در لغت نیز تجارت را تصرف در رأس‌المال برای سود بردن (Raghib Isfahani, 2022) یا خرید و فروش به قصد سود (Qal'aji, 2029) معنا کرده‌اند ۳) مطلق بیع داد و ستد، اعم از این‌که مشتمل بر سود باشد یا قصد سودآوری و انتفاع در آن ملاحظه نشود» (Najafi Jawahiri, 1983).

از جهاتی دادرسی، در لغت به معنای «به داد مظلوم رسیدن، رسیدگی به دادخواهی دادخواه، محاکمه» آمده است. در اصطلاح حقوقی، دادرسی به مفهوم اعم، رسیدگی مرجع قضاوتی به درخواست متقاضی برای صدور رأی، با لحاظ پاسخی می‌باشد که طرف مقابل، عندالافتضاء، مطرح می‌نماید. بنابراین دادرسی شامل دسته‌ای از اعمال می‌شود که در برهه زمانی مشخصی انجام و از درخواست شروع شده تا صدور رأی ادامه می‌یابد. این تعریف افزون بر اینکه بر هر مرحله از دادرسی (اعم از نخستین و تجدیدنظر) مصداق دارد، شامل تمام رسیدگی‌هایی نیز می‌شود که از ابتدای اقدام درخواست‌کننده شروع شده و تا صدور رأی ادامه می‌یابد؛ وانگهی تمامی انواع دادرسی اعم از معمولی و ویژه را در بر می‌گیرد. دادرسی، از جمله مواد ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۱۴۶ و ۱۴۷ ق.آ.د.م در مفهوم اعم آن به کار گرفته شده است. دادرسی به مفهوم اخص، رسیدگی مرجع قضاوتی به دعوا یا امر مطروحه، یعنی ادّعاها، ادّله، استدلالات و خواسته خواهان، با لحاظ پاسخ احتمالی خوانده، برای صدور رأی قاطع می‌باشد. دادرسی، به این مفهوم، جز در موارد نادری دارای پیشوند «جلسه» بوده و معمولاً در مواردی به کار می‌رود که دادرسی معمولی و نه «دادرسی» آیین‌های ویژه مورد نظر است (برای مثال مواد ۴۴، ۹۳ به بعد، ۱۳۸ و ۱۴۳ ق.آ.د.م). در حقیقت، در آیین‌های ویژه (مانند آیین حسبی، دستور موقت و...) معمولاً، واژه «رسیدگی» در این مفهوم به کار می‌رود (Mo'in, 2006). کلمه دادرسی حاصل مصدر

<sup>1</sup>. Conférence générale des tribunaux de commerce

است و در لغت به معنای به داد مظلوم رسیدن، قضا و محاکمه است (Mo'in, 2006) و نیز رسیدگی به دادخواهی دادخواه و عمل دادرس را دادرسی می‌گویند (Dehkhoda, 1998). در اصطلاح حقوقی، دادرسی به مفهوم اعم رشته‌ای است از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد مربوط به تشکیلات مراجع قضایی و صلاحیت آن‌ها و تعیین قواعد مرتبط با انواع دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها می‌باشد که در فقه به آن اقتضاء می‌گویند (Jafari Langroudi, 1997, 2024).

در خصوص صلاحیت دادگاه لازم به ذکر است در مواردی که خواهان تاجر بوده اموال خوانده غیر تاجر باشد دادگاه مدنی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت، اما در موردی که خواهان غیر تاجر بوده اما خوانده تاجر باشد دادگاه تجاری صلاحیت رسیدگی خواهد داشت (Jafari, 2024, 1997, Langroudi). مجموعه اقداماتی که به منظور پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می‌رود، دادرسی به مفهوم اخص می‌گویند (Jafari Langroudi, 1997, 2024). دادرسی در برخی موارد به مفهوم دعوا یعنی اختلافی که به دادگاه برده می‌شود، به کار می‌رود (Shams, 2024). به عبارت دیگر مجموعه اقدامات دادگاه در بررسی دعوا و استماع اظهارات و مدافعات و ملاحظه لوایح طرفین و رسیدگی به دلایل و مستندات آنان و نیز انجام تحقیقات لازم به منظور مهیا کردن پرونده‌ای برای صدور رأی و قطع و فصل دعوا را دادرسی یا محاکمه گویند (Beheshti & Mardani, 2015).

از جهاتی در حقوق فرانسه، دادرسی به مفهوم رسم، شیوه و روش معنا می‌دهد و در اصطلاح فرانسوی *procedure* اطلاق می‌گردد. با این حال در زبان جاری فرانسه، به مفهوم اعم آن، به معنای «پیش روی» و «نحوه اقدام برای رسیدن به هدف» آمده است (Shams, 2024). به نظر می‌رسد با توجه به آنچه گذشت، آیین دادرسی تجاری را می‌توان چنین تعریف نمود: «شیوه‌های رسیدگی از طرح دعوی و رسیدگی تا صدور آراء تجاری را می‌توان آیین دادرسی تجاری عنوان داشت». که تعریف مزبور، تمامی تشریفات طرح دعوی تا صدور رأی را در آیین دادرسی تجاری مورد توجه قرار داده است.

## ۲- تحولات حاکم بر لایحه آیین دادرسی تجاری با تأکید بر حقوق فرانسه

### ۲-۱- شرایط اقامه دعوا

امروزه شیوه‌ی اقامه‌ی دعوا یکی از مهمترین موضوعات در مطالبه حق است؛ این موضوع در تدوین لایحه آیین دادرسی تجاری مورد توجه قرار گرفته که فصل سوم از لایحه مزبور که مواد ۲۹ تا ۵۹ را شامل می‌گردد به خود اختصاص داده است. از جهاتی نیز تحولات و رویکردهای مهمی در لایحه مزبور وجود دارد که می‌توان به موضوع جایگاه و اهمیت ابلاغ الکترونیکی و ارسال اظهارنامه به شیوه الکترونیکی را مورد توجه قرار داد. در نتیجه شرایط و آثار اقامه‌ی دعوا در لایحه‌ی آیین دادرسی تجاری جاری خواهد بود به طوری که موضوعاتی که مورد اشاره قانونگذار آیین دادرسی مدنی نیز در موارد مسکوت لایحه آیین دادرسی تجاری جاری خواهد بود به طوری که موضوعاتی که مورد اشاره قانونگذار قرار نگرفته است می‌توان از قانون آیین دادرسی مدنی اقتباس نمود و این ایراد بزرگی به لایحه است که عدم جامع و کامل بودن این لایحه را می‌رساند. با این حال، تدوین لایحه آیین دادرسی تجاری، از جمله تحولات مهم در عرصه‌ی قانونگذاری است، از این رو تحولات و رویکردهای مهمی در خصوص مقررات تجاری در لایحه‌ی مزبور، به چشم می‌آید. از جمله مهمترین تحولات و رویکردهای لایحه‌ی آیین دادرسی تجاری را می‌توان اختصاص فصل خاصی (فصل سوم) با عنوان اقامه‌ی دعوا، رسیدگی و صدور رأی در لایحه‌ی مزبور عنوان نمود. اختصاص فصل مزبور در لایحه‌ی آیین دادرسی تجاری، دلایل موافق و مخالفی را به خود دیده است؛ از جمله دلایل موافقان آن است که اختصاص فصل مزبور می‌تواند موجب شود که جایگاه دعاوی تجاری در نحوه اقامه دعوا، شرایط، آثار و ضمانات اجراها را از سایر دعاوی

تفکیک نماید و اختصاص فصل مزبور می‌تواند سکوت قانونگذار را در برخی شرایط در قوانین دیگری چون قانون آیین دادرسی مدنی بشکند؛ از جمله دلایل مخالفان نیز آن است که مواد مرتبط با لایحه از جمله اقامه دعوا، تکرارگویی مواد قانون آیین دادرسی مدنی است و تنها افزایش مواد و مکرر گویی بیش نیست. به طور کلی موضوع اقامه دعوا، موضوع مواد ۵۹-۲۹ لایحه مزبور، می‌باشد که رویکردهایی همچون استفاده از سیستم‌های الکترونیکی در اقامه دعوا و رسیدگی‌های بعدی، جبران خسارت در موارد خسارت احتمالی از اقامه دعوا و...، ضرورت ارسال اظهار نامه قانونی یا داده پیام قبل از اقامه دعوا، جایگاه انکار در داده پیام و... را عنوان نمود. البته در حقوق فرانسه تفاوت‌هایی در شرایط اقامه دعوا دیده می‌شود؛ برای مثال صرف ابلاغ دادخواست به خواننده، باعث ایجاد حالت اشتغال برای دادگاه نمی‌گردد، بلکه خواهان (مطابق ماده ۷۵۰ ق.آ.د.م فرانسه) موظف است ظرف مهلت معین، ابلاغیه دادخواست را در دفتر دادگاه ثبت نماید. ماهیت مرکب اقامه دعوی در حقوق فرانسه باعث شده است که برخی از حقوقدانان زمان ابلاغ دادخواست به خواننده را زمان برقراری رابطه حقوقی دادرسی بدانند (Guinchard et al., 2014) و برخی زمان ثبت ابلاغیه دادخواست در دفتر دادگاه را زمان تحقق رابطه حقوقی دادرسی تلقی کنند (Bléry, 2018). در این خصوص در صفحات پیش رو از مقاله حاضر، بیشتر آشنا خواهیم شد؛ چرا که به عقیده عموم، لایحه آیین دادرسی تجاری برگرفته از حقوق فرانسه است ولیکن می‌توان عنوان نمود در برخی مقررات مشابه حقوق فرانسه و در برخی موارد تفاوت‌هایی در شرایط اقامه دعوا دیده می‌شود.

## ۲-۲- شرایط ارسال اظهار نامه، داده پیام و ابلاغ

ماده «۲۹» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «خواهان باید قبل از اقامه دعوا، حق مورد ادعای خود را با ارسال اظهارنامه قانونی یا داده پیام از شخصی که می‌خواهد علیه او اقامه دعوا نماید. مطالبه کند. در غیر این صورت حق مطالبه خسارت دادرسی را نخواهد داشت». در دعوای توقف و دعوای ناشی از آن، دعوای طاری و درخواست دادرسی فوری<sup>۱</sup> و همچنین ماده «۳۰» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «در مواردی که خواننده مجهول‌المکان و فاقد نشانی الکترونیکی یا اقامتگاه او خارج از ایران است ارسال اظهارنامه و داده پیام الزامی نیست». از سویی دیگر ماده «۳۱» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «در دعوای که در صلاحیت دادگاه تجاری است چنانچه خواسته وجه نقد و مستند به سند عادی باشد و خواهان آن را به وسیله اظهارنامه یا داده پیام مطالبه نماید به طریق زیر اقدام خواهد شد: «۱) چنانچه مدیون ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ واقعی اظهارنامه یا دریافت داده پیام، در پاسخ به آن، ادعا را بپذیرد. لکن دین خود را نپردازد. یا در صندوق دادگستری تودیع ننماید و یا آن‌که در مقابل اظهارنامه یا داده پیام ظرف ۱۰ روز دین خود را انکار ننماید و یا ظرف همین مدت جوابی ندهد به درخواست بستانکار حکم الزام او به تادیه دین از طرف دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد صادر خواهد شد حکم مزبور در صورت عدم اعتراض مدیون قابل اجرا است. در صورتی که مدیون نسبت به حکم دادگاه معترض باشد می‌تواند ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ واقعی آن دادخواست اعتراض به دادگاه صادرکننده حکم تسلیم نماید. در این صورت طبق مقررات به اعتراض او رسیدگی خواهد شد. حکمی که پس از رسیدگی به اعتراض صادر می‌شود در حدود مقررات قابل رسیدگی تجدیدنظر و فرجامی است. ۲) چنانچه مدیون پس از ابلاغ<sup>۲</sup> اظهارنامه یا دریافت داده پیام ادعای طرف را انکار کند داین می‌تواند طبق مقررات اقامه دعوا کنند. در این صورت چنانچه پس از رسیدگی ثابت شود مدیون عالماً و عامداً به منظور فرار از انجام

<sup>۱</sup> قواعد دادرسی فوری در فرانسه موسوم به Référés در مواد ۷۰۶ تا ۸۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی عنوان گردیده است.

<sup>۲</sup> ابلاغ یکی از مهم ترین ارکان دادرسی عادلانه به حساب می‌آید زیرا اجرا نشدن درست و صحیح تشریفات ابلاغ موجب تضییع حقوق افراد در دادرسی می‌شود. تا ابلاغ صحیحی در کار نباشد و دو طرف دعوا، از زمان و مکان دادرسی اطلاع نداشته باشند جلسه دادرسی هم تشکیل نخواهد شد بنابراین می‌توان اجرای عدالت و احقاق حق در دادگاه‌ها را موکول به اجرای صحیح و درست و ضامناً به دو طرف دعوی دانست.

تعهد، دین خود را انکار نموده یا مبادرت به تقدیم دادخواست اعتراض کرده است دادگاه ضمن حکم راجع به اصل دعوا، او را به پرداخت جریمه از یک تا پنج درصد محکوم به محکوم می‌کند. جریمه مذکور پس از قطعییت حکم، وصول و به صندوق دولت واریز خواهد شد». ماده «۳۵» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «در دعاوی مرتبط به شعب اشخاص حقوقی، دادخواست و ضمایم آن به مسئول شعبه مربوط یا قائم مقام آن ابلاغ خواهد شد». ماده ی «۳۶» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «در دعاوی راجع به دولت و اموال عمومی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه تجاری است موضوع دعوا و وقت رسیدگی علاوه بر خوانده به دادستان نیز ابلاغ می‌شود تا چنانچه در مقابل دعاوی مطروحه ایراد یا دفاعی داشته باشد در دادگاه بیان نماید. عدم حضور یا دفاع کتبی وی مانع رسیدگی دادستان می‌تواند برای حضور در جلسه دادرسی نماینده به دادگاه معرفی کند. مدیر دفتر مکلف است از دادخواست و ضمایم تصویر تهیه و برای دادستان ارسال کند». لازم به ذکر است که در حقوق فرانسه دادگاه‌های تجاری صالح هستند تا در رسیدگی به موضوع تسویه حساب‌های قضایی علیه پیشه‌ورانی که در واقع و در اصل باید در دادگاه‌های مدنی مطرح گردد رسیدگی نمایند (Xavier, 2000).

در حقوق ایران مطابق ماده «۳۸» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «خوانده باید ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ دادخواست و ضمایم پاسخ مکتوب خود به دعوی خواهان را به دفتر دادگاه تقدیم و رونوشت تصدیق شده کلیه اسناد و دلایل خود را پیوست کند. مهلت یاد شده برای اشخاص مقیم خارج از کشور ۲۰ روز است. خوانده باید ضمن پاسخ کتبی، هر نوع درخواست ایراد یا دفاعی را که نسبت به دعوا دارد از قبیل درخواست معاینه و تحقیق محلی، ارجاع امر به کارشناسان و ادعای جعل یا انکار و تردید اعلام کند». در مورد فوق می‌تواند مواعد ابلاغ به دو صورت انجام گیرد.

در احتساب مواعد چنانچه روز آخر موعد مصادف با روز تعطیل ادارات باشد و یا به جهت آماده نبودن دستگاه قضایی مربوطه امکان اقدام نباشد، آن روز به حساب نیامده و روز آخر موعد روزی است که ادارات بعد از تعطیلی یا رفع مانع باز می‌شود. در احتساب مواعد قانونی روز ابلاغ (یا اعلام) و روز اقدام جزء مواعد محسوب نمی‌شود. بنابراین اگر روز ابلاغ اخطار رفع نقص اول مهرماه باشد، آخرین مهلت برای رفع نقص روز دوازدهم این ماه است. چنانچه در یک دعوا خواندگان متعدد باشند طولانی ترین موعدی که در مورد یک نفر از آنان رعایت می‌شود شامل دیگران نیز خواهد شد. عدم رعایت مواعد قانونی، علی‌الاصول، موجب می‌شود، حقی که ذینفع در انجام عمل مربوط داشته است ساقط شود (Karimi & Sharifi, 2014).

تعیین مواعد فوق در لایحه آیین دادرسی تجاری از جانب قانونگذار برای اهداف مختلفی است. از جمله این که در پاره‌ای از موارد نظم دادرسی و ایجاد انسجام در دادگری باعث تعیین مواعد موصوف شده است. گاهی قانونگذار عدم اقدام در آن مهلت را اماره بر فقدان حق مورد ادعا قرار داده است و... در هر صورت اگر اقدامی که می‌بایست در ظرف زمانی مشخص صورت گیرد، انجام نشود و یا در خارج از آن مهلت انجام پذیرد، فاقد اثر بوده و شخص ذی نفع از حقی را که در انجام آن عمل داشته است از دست می‌دهد (Hayati, 2011).

لازم به ذکر است، در کشور فرانسه، موضوع دعوا را ادعاهای متقابل طرفین (خواهان در طرح دعوی اصلی و خوانده در طرح دعوی طاری) مشخص می‌نماید و می‌بایست در موعد مشخص قانونی به دادگاه ارائه شود که این ادعاها در سند آغازگر رسیدگی و لوایح دفاعی مشخص می‌شوند و طرفین باید در این راستا، مسئول بیان موضوعات متناسب با آن باشند. در قوانین فرانسه، خوانده از دو شیوه دفاعی استفاده می‌کند، یا به طور مستقیم خواهان ادعایی را نفی می‌کند و یا به اقدام مشخص و تمایزی جهت بی اثر کردن دادخواست خواهان در قالب ایراد دست می‌زند که در مجموعه ایرادات آئین دادرسی جمع شده اند. به همین ابزار و طرق دفاعی مطرح شده، خوانده به سه طرق دفاع ماهوی، ایرادات

آئین دادرسی (عدم صلاحیت، سبق طرح دعوا و امر مرتبط، موجب تأخیر و ایراد مربوط به بطلان) و عدم پذیرش می‌تواند به دعوی خواهان پاسخ دهد (Najarha, 2022).

## ۲-۳- شرایط دادخواست و ابلاغ آن

ماده «۳۲» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «چنانچه خواهان شخص حقوقی یا بازرگان دارای کارت بازرگانی باشد دادخواست علاوه بر نشانی محل اقامت خواهان باید متضمن نشانی الکترونیکی او نیز باشد. عدم قید نشانی الکترونیکی خواهان از موارد نقص دادخواست محسوب می‌شود». ماده «۳۳» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «ابلاغ دادخواست و سایر اوراق قضایی در خارج از کشور به وسیله مأموران رایزنی یا سیاسی به عمل آید. دادگاه اوراق اختاریه و پیوست‌های آن را به قوه قضاییه ارسال و قوه یاد شده مکلف است اوراق را از طریق وسایل ارتباط از راه دور از قبیل دورنگار یا پست الکترونیکی به سفارتخانه یا رایزنی ایران در کشور محل اقامت خوانده ارسال کند و مأموران سفارت یا رایزنی باید ظرف ۱۰ روز اوراق را به طریق مقتضی ابلاغ و با استفاده از وسایل ارتباط از راه دور برای قوه قضاییه اعاده کنند تا به دادگاه رسیدگی کننده ارسال گردد. دادگاه مکلف است وقت رسیدگی را به گونه‌ای تعیین کند که مطمئن باشد اوراق اخطار تا تاریخ تعیین شده اعاده می‌گردد. چنانچه در کشور محل اقامت خوانده مأموران رایزنی یا سیاسی نباشند، دادخواست یا سایر اوراق قضایی به درخواست دادگاه توسط قوه قضاییه از طریق پست سفارشی دو قبضه یا پست الکترونیکی مقید در قرارداد به نشانی خوانده ارسال می‌گردد».

ماده «۳۴» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «در صورتی که خواهان نتواند نشانی خوانده را معین نماید یا پس از اخطار رفع نقص از تعیین نشانی اعلام ناتوانی کند بنا به درخواست خواهان و دستور دادگاه مفاد دادخواست در پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی قوه قضاییه آگهی می‌شود تاریخ انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از ۱۰ روز باشد. در صورتی که ثابت شود خواهان با علم به نشانی خوانده او را مجهول‌المکان اعلام نموده است دادگاه رسیدگی کننده او را با صدور حکم به پرداخت جریمه نقدی از یک میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال در حق دولت محکوم می‌نماید. تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است». ماده «۳۸» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «دعوی تقابل و جلب ثالث از سوی خوانده باشد به همراه لایحه دفاعیه اقامه گردد». برای مثال عبارت ذیل ماده ۱۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی، حاکی است حق اظهار قصد جلب ثالث و تقدیم دادخواست آن، منحصر به مرحله بدوی نیست و هر یک از طرفین می‌توانند در مرحله تجدیدنظر نیز از این حق استفاده کنند. استفاده از این حق در مرحله تجدیدنظر مستلزم آن است که دادگاه تجدیدنظر نیز در رسیدگی خود جلسه‌ای به عنوان جلسه اول دادرسی داشته باشد در حالی که در مبحث رسیدگی تجدیدنظر در این قانون به ضرورت تعیین وقت رسیدگی تصریح نگردیده است و در ماده ۳۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی به ابلاغ نسخه ثانی دادخواست تجدیدنظر به تجدیدنظر خوانده اشاره شده است. بنابراین می‌توان گفت چنانچه در مرحله تجدیدنظر جلسه‌ای به عنوان جلسه اول دادرسی تعیین شده باشد، هر یک از طرفین خواهند توانست از حق مذکور در ماده ۱۳۵ استفاده کنند و این ماده بر تکلیف دادگاه تجدیدنظر برای تعیین جلسه دادرسی دلالت ندارد. چه اینکه در مرحله بدوی نیز ممکن است اساساً جلسه اول دادرسی وجود نداشته باشد مانند موردی که دعوا اساساً قابلیت استماع نداشته باشد و دادگاه در زمان وصول دادخواست و بدون تعیین وقت رسیدگی رأی صادر نماید (Mohajeri, 2013). در ایران نص صریحی در این خصوص وجود ندارند؛ حتی عموم و اطلاق ماده ۱۳۵ اعلام جلب ثالث را در مرحله تجدیدنظر، تا پایان جلسه اول دادرسی تجویز می‌نماید بی آنکه کشف عنصری به موجب رأی مرحله نخستین و یا حدوث عنصر جدیدی پس از آن لازم باشد. رأیی که در هیئت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور ابرام گردیده، در حکومت قانون قدیم نیز، برداشت مزبور را تأیید می‌نماید در حالی که جلب ثالث در مرحله تجدیدنظر و محروم نمودن او از امتیاز دو درجه بودن دادگاه باید



محدود به مواردی شود که عنصری جدید پس از جلسه اول دادرسی کشف و یا حادث شده باشد (Shams, 2024). ماده «۳۲» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «پاسخ خوانده (چه در مرحله بدوی و تجدیدنظر) باید به همراه اسناد مصدق در دو نسخه و در صورت تعدد خواهان‌ها به تعداد آنان کافی تهیه و هزینه آن را از خوانده وصول می‌کند».

ماده «۱۳۴» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «ارائه سریع اسنادی که مورد استناد طرف مقابل قرار می‌گیرد یکی از مصادیق تعامل سازنده اصحاب دعوا با دادگاه در راستای اصل سرعت می‌باشد. عدم رعایت این امر می‌تواند موجب اطاله دادرسی گردد که بر اساس مقررات فرانسه دارای ضمانت اجرا می‌باشد». ماده «۱۳۹» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «بدین ترتیب طرفی که به یک سند استناد می‌کند ملزم است آن را به اطلاع تمام طرفین رسیدگی برساند. اگر اسناد، تبادل نشده باشد هر طرف می‌تواند از دادگاه درخواست نماید که بدون تشریفات دستور تبادل را صادر کند. در این صورت دادگاه مهلت ارائه اسناد و در صورت امکان نحوه ارائه را نیز مشخص می‌کند. دادگاه در صورت لزوم، می‌تواند برای عدم رعایت مهلت مذکور، ضمانت اجرای جریمه تأخیر تعیین نماید. این ضمانت اجرا در مورد ثالث مستنکف از ارائه اسناد نیز اعمال می‌شود».

در حقوق فرانسه طرفین می‌توانند برای انصراف از تجدیدنظرخواهی در دعوی تجاری و مدنی توافق کنند البته به این شرط که این انصراف قبل از به وجود آمدن اختلاف نباشد (پاراگراف اول ماده ۴۱ قانون جدید آئین دادرسی مدنی فرانسه) بند ۲ ماده ۴۱ همچنین بیان می‌دارد که «انصراف توافقی پیش از اعلام رأی باید صریح باشد». البته باید توجه داشت که اسقاط حق تجدیدنظرخواهی می‌تواند یکجانبه نیز باشد؛ قواعد انصراف یکجانبه در مواد ۵۵۶ تا ۵۵۸ ق.آ.د.م فرانسه آمده است بدین ترتیب که برابر ماده ۵۵۶ افراد دارای اهلیت می‌توانند از حق تجدیدنظرخواهی صرف نظر کنند و نیز اختیار شخص در انصراف محدود به حقوقی است که شخص در دخالت در آن‌ها مختار است (Mohajeri, 2013).

مطابق ماده ۷۵۷ ق.آ.د.م فرانسه، اشتغال دادرس با ثبت دادخواست در دفتر دادگاه شکل می‌گیرد، نه ابلاغ دادخواست به خوانده که در این مورد هیچگونه ثبتي را نمی‌توان در نظر گرفت؛ در مقابل صراحت این ماده، برخی از حقوقدانان فرانسوی مجبور شده اند برقراری رابطه حقوقی دادرسی را مصادف با ثبت دادخواست بدانند و برخی برای ثبت دادخواست در دفتر دادگاه اثر قهرایی بشناسند.<sup>۱</sup> اما بر اساس نظریه سوم، آثار ماهوی برقراری رابطه حقوقی دادرسی از آثار شکلی آن تفکیک شده و تحقق آثار شکلی، موکول به ثبت ابلاغیه دادخواست در دفتر دادگاه می‌شود<sup>۲</sup> مطابق این نظریه، صرف نظر از آنکه برقراری رابطه حقوقی دادرسی را در چه زمانی محقق بدانیم، آثار آیینی آن از جمله اشتغال دادرس با ثبت دادخواست در دفتر دادگاه به بار می‌آید (Shokouhi Zadeh, 2021).

نیاز به یادآوری این نکته است که در حقوق فرانسه در صورتی که نماینده شخص حقوقی از طرف شرکت متبوع، اجازه تحویل گرفتن اخطاریه را داشته باشد این ابلاغ، واقعی است<sup>۳</sup> و همچنین ابلاغ اوراق قضایی به مدیر یا قائم مقام او و یا دارنده حق امضاء در دعوی راجع به اشخاص حقوقی (حقوق خصوصی) به موجب ماده ۶۵۴ ق.آ.د.م فرانسه (پاراگراف دوم)، ابلاغ واقعی محسوب می‌شود.

#### ۴-۲- ترتیبات صدور رأی

کلیه دعاوی را اعم از اینکه در دادگاه‌ها مطرح شده باشند یا خیر می‌توان از طریق سازش حل و فصل نمود. حل و فصل اختلافات از طریق سازش مستلزم توافق طرفین دعواست و این امر در کنار سایر ویژگی‌های سازش موجب شده است که سازش در مقابل فصل دعوی از طریق

<sup>۱</sup> Guinchard, Chainais et Ferrand, 2014, p 328.

<sup>۲</sup> Cornu, Gérard et Foyer, Jean (1996) Procédure civile, Paris, PUF, p 592.

<sup>۳</sup> معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۹۵، وظایف و تکالیف قانونی مأمورین ابلاغ در قوانین موضوعه، تهران، خرسندی، صص ۹۰-۹۲.

دادگاه‌ها و نیز مراجع داوری دارای امتیازاتی باشد. سازش ضمن اینکه دارای تقسیم‌بندی‌های مختلفی است با سایر روش‌های غیرقضایی حل و فصل اختلاف دارای شباهت‌ها و در عین حال تفاوت‌هایی است و مقایسه این نهاد با سایر نهادها به‌ویژه در حقوق داخلی به شناخت بیشتر مفهوم و جایگاه سازش به عنوان روش دوستانه و غیرتشریفاتی حل و فصل اختلافات کمک خواهد کرد (Darvishi Hoveyda, 2013). ماده «۴۳» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «هرگاه با توجه به کیفیت دعوا و اختلاف، امکان سازش بین اصحاب دعوا وجود داشته باشد. دادگاه می‌تواند بنا به توافق طرفین برای یک بار و حداکثر به مدت یک ماه پرونده را جهت سازش به شوراها یا حل اختلاف، واحدهای صنفی مربوط با دیگر نهادها و یا اشخاصی که طرفین توافق نموده‌اند، ارجاع کند». البته در حقوق فرانسه، سازش به طریق داوری نیز از جایگاه مهمی برخوردار است (Poudret & Besson, 2001) به طوری که این موضوع در حقوق تجارت بین الملل و داوری بین المللی در حقوق فرانسه نیز وارد شده است (Fouchard et al., 1996).

ماده «۴۴» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «مراجع و اشخاص مذکور در ماه قبل در پایان مهلت مقرر باید نتیجه اقدامات خود را به دادگاه ارائه نمایند. چنانچه در مهلت مقرر، سازش به عمل نیامده باشد لکن طرفین پرونده روند سازش را مثبت ارزیابی و تقاضای مهلت نماینده دادگاه مدت مزبور را تمدید و در غیراین صورت روند سازش را قطع و به موضوع رسیدگی می‌کند. در هر صورت مرجعی که پرونده را برای سازش به آن ارجاع شده است در پایان اقدامات سازشی باید گزارشی تفصیلی از اقدامات انجام شده را به دادگاه ارائه کند». لازم به ذکر است که در مقررات کشور ما در قانون آیین دادرسی مدنی راه و روش سازش محدودیت نداشته و در هر مرحله از دادرسی قابل پذیرش با توافق طرفین می‌باشد که یکی از این مراحل قبل از اقامه دعواست. در این نوع سازش هنوز دعوایی مطرح نشده و صرفاً زمینه آن وجود دارد. شخصی که خود را محق می‌داند با مراجعه به دادگاه می‌تواند درخواست کند که طرف او را برای سازش دعوت نمایند. منتهی این نوع سازش در ایران معمول نبوده و مواد ۱۸۶ الی ۱۹۳ آیین دادرسی مدنی که در قانون سابق نیز وجود داشته از بی اهمیت ترین مواد این قانون مانده است (Heydari Abandansari, 2013).

ماده ۴۳ ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «هرگاه با توجه به کیفیت دعوی و اختلاف، امکان سازش بین اصحاب دعوی وجود داشته باشد، دادگاه می‌تواند بنا به توافق طرفین برای یک‌بار و حداکثر به مدت یک ماه پرونده را جهت سازش به شوراها یا حل اختلاف، واحدهای صنفی مربوط یا دیگر نهادها، مراجع و یا اشخاصی که طرفین توافق نموده‌اند، ارجاع کند».

همچنین ماده ۴۴ ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «مراجع و اشخاص مذکور در ماده قبل، در پایان مهلت مقرر باید نتیجه اقدامات خود را به دادگاه ارائه نمایند. چنانچه در مهلت مقرر، سازش به عمل نیامده باشد، لکن طرفین پرونده روند سازش را مثبت ارزیابی و تقاضای مهلت نمایند، دادگاه مدت مزبور را تمدید و در غیر این صورت روند سازش را قطع و به موضوع رسیدگی می‌کند. تبصره: در هر صورت مرجعی که پرونده برای سازش به آن ارجاع شده است در پایان اقدامات سازشی باید گزارش تفصیلی از اقدامات انجام شده را به دادگاه ارائه کند». در مقررات موجود در ایران در قانون آیین دادرسی مدنی صراط سازش محدودیت نداشته و در هر مرحله از دادرسی قابل پذیرش با توافق طرفین می‌باشد که یکی از این مراحل قبل از اقامه دعواست. در این نوع سازش هنوز دعوایی مطرح نشده و صرفاً زمینه آن وجود دارد. شخصی که خود را محق می‌داند با مراجعه به دادگاه می‌تواند درخواست کند که طرف او را برای سازش دعوت نمایند. منتهی این نوع سازش در ایران معمول نبوده و مواد ۱۸۶ الی ۱۹۳ آیین دادرسی مدنی که در قانون سابق نیز وجود داشته از بی اهمیت ترین مواد این قانون مانده است (Heydari Abandansari, 2013).

در زمینه تجدیدنظرخواهی از آراء تجاری در حقوق ایران و فرانسه این مسئله مطرح است که آیا محکوم علیه می‌تواند پس از صدور رأی حضوری و پیش از ابلاغ آن دادخواست تجدید نظر خود را تقدیم نماید؟ در حقوق فرانسه این پرسش با پاسخ مثبت روبرو است. در ایران نیز باید قایل به پاسخ مثبت بود. در حقیقت ابلاغ رأی موجب حق تجدید نظر نمی‌باشد بلکه با صدور رأی قابل تجدید نظر است که حق مزبور ایجاد می‌شود و تعیین مهلت تجدید نظر تنها برای مشخص کردن مدتی است که پس از پایان آن تجدید نظرخواهی پذیرفته نمی‌شود (Shams, 2024). لازم به ذکر است، قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه ذکر جهت تجدید نظرخواهی را الزامی ننموده است (Vahedi, 2008). بنابراین شایسته است در حقوق ایران بررسی شود که منشأ مقررات مدنی و تجاری که ذکر جهات تجدید نظرخواهی را ضروری نموده کجا می‌باشد.

## ۵-۲- شرایط سپردن تأمین

مطابق ماده «۵۳» ل.آ.د.ت که بیان می‌دارد: «خواهان مکلف است برای جبران خسارت احتمالی که از تأمین خواسته حاصل می‌شود با لحاظ مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تأمین مناسب بسپارد یا ضامن معتبر معرفی کند. علاوه بر موارد عدم تودیع خسارت احتمالی موضوع قانون یاد شده چنانچه خوانده در پاسخ اظهارنامه یا در جلسه دادگاه بر صحت ادعای خواهان اقرار کند. یا در مواردی که هستند دعوا سند الکترونیکی یا اوراق بهادار از قبیل قبض انبار عمومی، بارنامه، ضمانت نامه بانکی، بیمه نامه باشد. صدور قرار تأمین خواسته منوط به تأمین یا تضمین خسارت احتمالی نیست». تأسیس فوق در لایحه آیین دادرسی تجاری، شباهت زیادی به Saisie Conservatoire حقوق فرانسه دارد و به خواهان اجازه می‌دهد اموال بدهکار را، تا صدور یا اجرای حکم، توقیف نماید. این وسیله به خواهانی که بتواند موجه و مدلل بودن دعوی خود و همچنین خطر واقعی اختفاء اموال خوانده را ثابت نماید امکان می‌دهد که قراری، مبنی بر منع خوانده از نقل و انتقال اموال و اختفاء یا خروج آن‌ها از حوزه قضایی را از دادگاه تحصیل نماید. در اجرای این دستور قاضی می‌تواند خوانده را مکلف نماید که مدارک و اطلاعات مربوط به نوع اموال و محل اموال منقول و غیرمنقول خود و همچنین مشخصات بدهکاران خود و بانک‌هایی را که در آن‌ها حساب دارد معرفی نماید.

ماده «۵۴» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «چنانچه پس از صدور قرار تأمین خواسته، خوانده بر صحت ادعای خواهان اقرار کند، به درخواست خواهان از تأمین خسارت احتمالی رفع اثر می‌شود». ماده «۵۵» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «در دعاوی تجاری، اتباع دولت خارجی از سپردن تأمین اتباع بیگانه معاف می‌باشند». ماده «۵۶» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «در صورتی که خواهان به موجب رأی قطعی محکوم به بطلان دعوا شود یا حقی برای او به اثبات نرسد خوانده حق دارد ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی قطعی، خسارتی را که از قرار تأمین به او وارد شده است با تسلیم دلایل از دادگاه صادر کننده قرار مطالبه کند. مطالبه درخواست در این مورد بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی و پرداخت هزینه دادرسی صورت می‌گیرد. مفاد تقاضا به طرف ابلاغ می‌شود تا چنانچه دفاعی داشته باشد ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغی با ذکر دلایل آن را عنوان نماید. دادگاه در وقت فوق العاده به دلایل طرفین رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌نماید. این رأی قطعی است در صورتی که خوانده در مهلت مقرر مطالبه خسارت ننماید وجهی که بابت خسارت احتمالی سپرده شده به درخواست خواهان به او مسترد و یا ضامن معرفی شده بری می‌شود». ماده «۵۷» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «چنانچه حکم بدوی در خصوص تمام یا قسمتی از محکوم به دادگاه تجدیدنظر نقض شود به درخواست خواهان به همان نسبت به از تأمین سپرده شده رفع توقیف می‌گردد. ماده «۵۸» ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «در صورتی که خوانده ظرف ۲۰ روز از تاریخ حکم قطعی مطالبه خسارت ننماید، تأمینی که بابت خسارت احتمالی سپرده شده است به درخواست خواهان به او رد می‌شود یا تعهد ضامن

ساقط می‌شود. با این وجود تأمین نوعی قرار است که چنین تعریف می‌گردد: قرار یعنی تصمیم دادگاه در امر ترافیعی که کلاً یا بعضاً قاطع خصومت نباشد. قرار نوعی از رأی است، رأی ممکن است توسط مدیر دفتر دادگاه صادر شود و تحقق دعوا شرط صدور آن نیست. گزارش اصلاحی رأی نیست بلکه صلح نامه‌ای است که اعتبار کامل یک سند رسمی را دارد و این امر از ماده ۶۳۰ آیین دادرسی مدنی دانسته می‌شود (Jafari Langroudi, 2024). قرار در لغت به معنای ثبات، آرامیدن برقرار شدن، پایدار شدن آمده است و همچنین جا گرفتن، آرام گرفتن، پا بر جا شدن در جایی، آرامش، آسودگی، رأی یا حکمی که درباره امر یا مسأله‌ای صادر شود، عهد و پیمان هم گویند (Amid, 2007) و در اصطلاح حقوقی بحث‌های فراوانی شده چرا که در قوانین به طور ایجابی از قرار تعریف به عمل نیامده و مقنن به تعریف سلبی بسنده کرده است، چنانچه که در ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد که: «چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود». کامل ترین تعریف که تعریفی جامع و مانع در باب قرار دادگاه به تصمیمی (عملی) گفته می‌شود که رأی شمرده شده و تنها راجع به ماهیت دعوا بوده و یا تنها قاطع آن باشد و یا هیچ یک از دو شرط مزبور را نداشته باشد که به ترتیب می‌توان قرار کارشناسی، قرار رد دعوا و قرار تأمین خواسته را نام برد (Shams, 2024) و همچنین با این تعریف می‌توان بیان داشت که قرار در لغت، از جمله به معنای «ثبات و استوار کردن، استحکام دادن، تعیین و تأکید» (Dehkhoda, 1998) و نیز «حکم محکم تخلف ناپذیر» (Mo'in, 2006) می‌باشد.

## ۶-۲- شرایط استفاده از سامانه‌های رایانه ای

ماده (۵۹) ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی از قبیل پست الکترونیکی، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن حسب مورد برای طرح دعوا، ارجاع پرونده، تشکیل جلسه دادرسی، استماع شهادت شهود، ابلاغ دادنامه و دیگر اوراق قضایی و اوراق مربوط به اجراییه و نیابت قضایی بلامانع است شرایط و چگونگی استفاده از سامانه‌های موضوع این ماده به موجب آیین نامه‌ای است که با رعایت قانون تجارت الکترونیک ظرف شش ماه از لازم الاجرا شدن این قانون به پیشنهاد وزارت دادگستری و تأیید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید». ماده ۲-۱۳۱۶ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «اگر قانون حاوی اصول دیگری نباشد و در صورت فقدان قرارداد بین طرفین، قاضی با توسل به وسایل گوناگون و صرف نظر از قالب دلایل، تعارض دلایل ادبی یا کتبی را با تعیین دلیلی که مقرون به صحت است مشخص خواهد کرد». با توجه به این ماده قاضی تنها زمانی تعارض دلایل را حل و فصل خواهد کرد که در این خصوص توافقی بین طرفین وجود نداشته باشد. یعنی، چنانچه طرفین در خصوص ارزش اثباتی دلایل الکترونیکی در مقایسه با دلایل دیگر توافق کرده باشند قاضی الزاماً باید مطابق این توافق عمل کند (Zarkalam, 2014). در اینجا لازم به ذکر است که تشریفات اخذ دلیل در دعاوی مدنی و تجاری در حقوق فرانسه متفاوت است (Dekeuwer-Défossez, 1990).

## ۷-۲- سلب حق مطالبه خسارت دادرسی در صورت عدم ارسال اظهارنامه یا داده پیام

ماده ۲۹ ل.آ.د.ت بیان می‌دارد: «خواهان باید قبل از اقامه دعوی، حق مورد ادعای خود را با ارسال اظهارنامه قانونی یا داده‌پیام از شخصی که می‌خواهد علیه او اقامه دعوا نماید، مطالبه کند. در غیر این صورت، حق مطالبه خسارت دادرسی را نخواهد داشت». بنابراین حق الوکاله وکیل، حق الزحمه کارشناس، هزینه تحقیقات محلی و هر هزینه دیگری که مستقیماً مربوط به دادرسی بوده و برای اثبات دعوا یا دفاع ضرورت داشته، تحت شمول خسارت دادرسی قرار می‌گیرد (ماده ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی). باید دانست که خسارت دادرسی، خسارتی مستقل (مانند خسارت ناشی از اتلاف عین یا منافع مال غیر) نیست بلکه یک خسارت عرضی و به تبع امر دیگر (طرح و تعقیب دعوا در دادگاه)

می‌باشد (Jafari Langroudi, 1997) که در صورت عدم ارسال اظهارنامه یا داده پیام، خواننده در دعوای تجاری حق مطالبه آن را نخواهند داشت و این موضوع از نوآوری‌های لایحه آیین دادرسی تجاری است.

مهم‌ترین بخش تشکیل دهنده خسارت دادرسی، هزینه دادرسی است، (Sadrazadeh Afshar, 2011) البته لازم به ذکر است که در حقوق فرانسه نیز نظریه جبران کامل، هر دو نوع خسارات یعنی ضرر واقعی و عدم النفع را در بر می‌گیرد. ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی فرانسه، علاوه بر ضررهای مستقیمی که به شخص وارد می‌شود، محرومیت از منفعت را نیز قابل مطالبه دانسته است.

## ۲-۸- شرایط استفاده از مرور زمان

امروزه نهادهای بسیاری در زمینه دعوای مختلف از جمله دعوای تجاری وضع و مورد پیش بینی قرار گرفته است که هر یک از نهادهای مزبور، به عللی می‌توانند موجب خاتمه دعوی گردند؛ با این وجود، مرور زمان یکی از این نهادهاست که می‌تواند با توجه به شرایط موجود در مواد ۱۲۷-۱۱۴ لایحه آیین دادرسی تجاری، نقش مهمی در عدم ترتیب اثر دادن به دعوی داشته باشد. در لایحه مزبور، قابل استماع نبودن دعوی بر اساس توافق، مدت مرور زمان دعوی تجاری، مبدأ مرور زمان، دعوای راجع به امانات، دعوای راجع به استرداد وثیقه، دعوای ناشی از معاملات و سایر دعوای به صورت دقیق مورد اشاره قرار گرفته است. تأثیر مرور زمان در دعوای حقوقی و تجاری از دیرباز به صورت نسبی مورد توجه مقنن بوده است؛ به طوری که مرور زمان در قانون قبلی آیین دادرسی مدنی مورد پذیرش قرار گرفته بود و در قانون آیین دادرسی مدنی کنونی این مهم حذف گردیده و تنها در قوانین خاص همچون بیمه، چک، تجارت (مواد ۲۸۵ تا ۲۹۰ قانون تجارت) مورد توجه قرار گرفته است که خوشبختانه در لایحه آیین دادرسی تجاری (مواد ۱۲۷-۱۱۴) به این موضوع به طور ویژه توجه شده که قانونگذار در مواد، بندها و تبصره‌های مختلف لایحه آیین دادرسی تجاری به این موضوع اشاره داشته و در فصل مستقلی به این موضوع پرداخته است. با این حال، این موضوع، مؤید این مطلب است که با گذشت زمان، دعوای مطروحه و منتج به رأی، آثار خود را از دست می‌داد و دیگر آن دعوی قابل استماع نبود؛ برای مثال دعوای اموال منقول در ده سال و دعوای غیرمنقول در عرض بیست سال مشمول مرور زمان می‌گردید که این موضوع بدلیل سوءاستفاده برخی از افراد و همچنین منطقی نبودن این اصل از قوانین حقوقی محو گردید. در لایحه آیین دادرسی تجاری به موضوع مرور زمان به تفکیک در دعوای مختلف مورد اشاره قرار گرفته، به طوری که در لایحه مزبور به مفهوم مرور زمان و گستره مشمولیت مرور زمان در دعوای تجاری مختلف مورد اشاره قرار گرفته و قانونگذار به مصادیق حاکم بر قطع مرور زمان نیز در ماده ۱۲۵ لایحه و همچنین به مصادیق عدم قطع مرور زمان با تقدیم دادخواست و عدم قطع مرور زمان بیش از یک بار اشاره نموده است.

در حقوق فرانسه به مرور زمان «پرسکریپسیون»<sup>۱</sup> گفته می‌شود، که معنای لغوی آن سرلوحه است. در قانون مدنی فرانسه ذیل ماده ۱۲۳۴ یکی از اسباب سقوط دیون و تعهدات، مرور زمان برشمرده شده است (Marashi Shushtari, 1997). قواعد مرور زمان براتی ما عمدتاً مأخوذ از مقررات قدیم فرانسه است. براساس نظریه شورای محترم نگهبان، «مواد ۷۳۱ ق.آ.د.م به بعد در مورد مرور زمان مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال، بیست سال، سه سال، یک سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع است». به این ترتیب، قاعدتاً مرور زمان‌های قانون تجارت نیز نسخ ضمنی شده اند مع ذلک، از باب مصلحت، دکتین و رویه قضایی مدافع این قواعد بوده و حتی الامکان در اجرای آن کوشیده اند. علی‌ایحال، برای اعمال قواعد مرور زمان مذکور در قانون بروات، باید قائل به تفکیک شد: حق رجوع‌های براتی ناشی از امضای سند و حق رجوع‌های مبتنی بر محل و عوض در نقل و انتقالات آن (Saqri, 2008). براتگیر قبول کننده متعهد اصلی برات

<sup>1</sup>.perscription

است. در حالی که براتکش، ظهرنویسان و ضامنان آنها، متعهدان فرعی سند تلقی می‌شوند. تعجبی ندارد که مرور زمان مراجعه دارند، ظهرنویس، ضامن و براتکش به شخص موصوف طولانی تر از بقیه باشد. مطابق بند اول ماده ۷۰ پیمان ژنو، «کلیه حق رجوع‌های ناشی از برات نسبت به قبول کننده پس از گذشت سه سال از تاریخ سررسید ساقط می‌شود». این مدت در ماده ۳۱۸ قانون تجارت ایران که برگردانی از ماده ۱۸۹ قانون تجارت قدیم فرانسه بوده است، ۵ سال قرار دارد. این طویل ترین مرور زمان براتی محسوب می‌گردد. براساس این متن قانونی؛ «دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتي صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود. مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین واقع شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض، مدت مرور زمان از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض شروع می‌شود». ملاحظه می‌گردد که مقنن در این ماده، سخنی از شخص یا اشخاص پرداخت کننده به میان نمی‌آورد. هیأت عمومی دیوان کشور در آرای که صادر نموده، حتی الامکان از تعداد افراد (مشمول) واجد حق مراجعه کاسته و در عوض معمولاً قواعد عمومی مرور زمان ماده ۳۱۹ ق.ت را به اجرا گذارده است (Saqri, 2008). در قانون مدنی فرانسه ذیل ماده ۱۲۳۴ یکی از اسباب سقوط دیون و تعهدات، مرور زمان برشمرده است. در حقوق فرانسه و ایران سه نوع مرور زمان وجود دارد که ذیلاً بدان اشاره می‌گردد:

مرور زمان مملک: سببی است جهت تحصیل مالکیت برای متصرف مالی که اصل متعلق به دیگران بوده و مالک یا مالکین آنها ظرف مدت مدیدی در مقام مطالبه یا اعمال حقوقی خود نسبت به آنها بر نیامده اند. نویسندگان این قسم از مرور زمان را جزء اسباب تملک محسوب می‌دارند. در حقوق مدنی فرانسه مرور زمان مملک یکی از مبانی اساسی مالکیت در اموال غیرمنقول بوده و استحکام آن از معاملات بیشتر است. بدین توضیح که مثلاً در عقد بیع معامله واقع نمی‌شود، مگر با مالک حقیقی و حال. چنانچه بر ایادی متعاقب فساد مترتب باشد نسبت به خریدار هم مؤثر است و صرفاً وجود سند معامله در دست خریدار مثبت مالکیت او نمی‌شود «اما اگر ثابت شود که شخصی ملکی را متصرف بوده و مجموع مدت تصرف او و ناقلین او مساوی یا بیش از مدتی است که قانون مقرر داشته این تصرف متمادی مدرکی است که او را در مقابل هرگونه ادعای اشخاص ثالث حفظ می‌کند. پس مرور زمان یک مستند مستقلی است که اعتبارش بیش از سند انتقالات بوده و از خدش‌های که به این نوشتجات می‌توان کرد مصون است (Matin Daftari, 1958). مرور زمان مملک دامنه وسیعی ندارد، زیرا تنها در قلمرو حقوق عینی تحقق می‌یابد به نحوی که حق مالکیت یا حق انتفاع و یا حق ارتفاق را در بر می‌گیرد، همچنانکه این نوع از مرور زمان عمدتاً در اموال غیرمنقول جریان می‌یابد (Hatami & Zakeri, 2000).

مرور زمان مسقط حق: سببی است جهت سقوط تعهد و آزاد شدن ذمه متعهد در برابر طلبکاری که ظرف مدت مدیدی اجرای تعهد را از بدهکار درخواست نکرده است. مصداقی که از مرور زمان مسقط حق در قانون مدنی فرانسه وجود دارد مبتنی بر اماره پرداخت دین است و تحت عنوان «مرور زمانهای استثنایی» معرفی شده و مقررات آن در مواد ۲۲۷۱ الی ۲۲۸۱ کدام این قانون ذکر گردیده و مربوط به تعهداتی است که معمولاً در مراودات متعارف مردم ظرف مدت کمی استفاده می‌گردد و برای آنها سندی تنظیم نمی‌شود، مانند مرور زمان شش ماهه مربوط به دستمزد معلم برای تدریس ماهانه و اجاره هتل و... از ویژگی‌های این نوع خاص از مرور زمان این است که طبق ماده ۲۲۷۵ قانون مدنی فرانسه، این دسته از مرور زمان‌ها به وسیله سوگند اثر خود را از دست می‌دهد، یعنی بستانکاری که طلب او مشمول مرور زمان گردیده می‌تواند از طرف خود مطالبه قسم نماید و در صورت امتناع او از اتیان سوگند و یا رد آن، مرور زمان ساقط و یا سوگند خواهان، حق او ثابت

می‌گردد. مرور زمان مسقط حق برخلاف مرور زمان مملک در کلیه حقوق و کلیه اموال اعم از منقول و غیرمنقول به طور یکسان جریان می‌یابد (Hatami & Zakeri, 2000).

مرور زمان مسقط دعوی: در کشور ما با در نظر گرفتن تعریفی که ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی (سابق) از مرور زمان به عمل آورده و با عنایت به سایر مقررات مربوطه نمی‌توان مرور زمان را مملک یا مسقط حق و تعهد به حساب آورد، بلکه باید آن را فقط وسیله‌ای در دست خواننده برای اسقاط دعوی خواهان و جلوگیری از استماع آن دانست. به همین جهت در قانون مدنی ایران بر خلاف قانون مدنی فرانسه، ذکری از مرور زمان به عمل نیامده و مقررات مربوط به آن فقط در قانون آیین دادرسی مدنی که حاوی مقررات شکلی رسیدگی است، انعکاس یافته است (Shahidi, 1989).

### نتیجه‌گیری

تصویب لایحه آیین دادرسی تجاری به عنوان یکی از مهمترین تحولات قانونگذاری در حقوق ایران به شمار می‌رود که هدف از وضع لایحه مذکور که در ماده نخست، تبیین گردیده و عنوان شده به منظور رسیدگی تخصصی و افزایش دقت و تسریع در روند رسیدگی به دعاوی ناشی از امور تجاری و اجرای آراء ناظر به آن و تقویت نقش عرف در رسیدگی به این دعاوی، دادگاه تجاری تشکیل می‌شود. از آنجا که ویژگی‌ها و ضروریات حاکم بر حقوق تجارت وضع اصول و قواعد خاصی را در حوزه حقوق تضمین‌کننده برای تحقق کارایی دادرسی ایجاد می‌نماید ضرورت وضع لایحه جدید محسوس بود. در این میان، دسته‌ای از این اصول و قواعد، ناظر به لزوم رسیدگی ساده و سریع به اختلافات تجاری است که نتیجه آن افزایش هزینه‌های خطا در تصمیم‌گیری خواهد بود. لایحه‌ی آیین دادرسی تجاری به عنوان لایحه مهمی در زمینه دادرسی تجاری دارای چالش‌ها و انتقاداتی نیز می‌باشد. نوآوری‌ها و تحولات به عمل آمده در لایحه مذکور را می‌توان در موضوع تشکیلات، صلاحیت، اقامه دعوی، صدور رأی، رسیدگی به دلایل، شکایت از آراء، دعوی مشتق، توقف اجرای موقت احکام و مرور زمان مورد بررسی قرار داد که با هدف تسریع، دقت، تخصص، تسهیل رسیدگی به امور و دعاوی تجاری و رعایت اصول منصفانه وضع گردیده و از جهاتی عدم وجود مقررات دادرسی تجاری موجب از بین رفتن اعتماد تجار، عدم تسریع در روند دادرسی و کاهش توسعه تجاری گردیده است. همچنین استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی از قبیل پست الکترونیکی، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن حسب مورد برای طرح دعوا، ارجاع پرونده، تشکیل جلسه دادرسی، استماع شهادت شهود، ابلاغ دادنامه و دیگر اوراق قضایی و اوراق مربوط به اجرائیه و نیابت قضایی از نوآوری‌های نوینی است که در لایحه آیین دادرسی تجاری بدان توجه ویژه شده است.

در مورد حقوق کشور فرانسه اگر چه قانون خاصی به نام آیین دادرسی تجاری وجود ندارد اما در مواد ۴۱۴/۱ تا ۴۱۴/۷ قانون آیین دادرسی این کشور تحت عنوان محاکم اختصاصی به دادگاه‌های تجاری مقرراتی را اختصاص داده است که ناظر به ترکیب دادگاه حدود صلاحیت و شیوه رسیدگی است با این وجود نیز در این کشور، دادرسی تجاری در قوانین آیین دادرسی مدنی متمرکز شده است هر چند لایحه آیین دادرسی تجاری ایران نیز در موارد مسکوت، به قانون آیین دادرسی مدنی احاله نموده است. با توجه به اینکه لایحه‌ی آیین دادرسی تجاری توانسته است اکثر مشکلات و محدودیت‌ها را پاسخ دهد، ولیکن در برخی مقررات پیشنهاداتی بر آن وارد است:

۱) به نظر می‌رسد ایراد چشمگیر لایحه آیین دادرسی تجاری وارد ساختن مقررات انضباطی مفصل یعنی مواد ۱۹ تا ۲۲ با چندین تبصره و ۲۱ بند برای مشاوران دادگاه تجاری است. درحالی‌که قانون شکلی مانند آیین دادرسی جای مناسبی برای طرح مقررات تنبیهی نیست و پیشنهاد می‌گردد در ادوار تقنینی آتی، بایستی قانون یا مجموعه جداگانه‌ای برای این موضوع، مد نظر قرار گرفته شود.

۲) در لایحه آیین دادرسی تجاری، مطابق ماده ۲۲، مشاوران از حیث جرایمی که در حین انجام کار مرتکب می‌شوند در حکم کارمند به شمار رفته‌اند. چنین مقرره‌ای اگر چه خلأ مقررات حاکم بر مشاوران را برطرف می‌کند با این حال تعمیم مقررات کیفری سختگیرانه مانند کیفرهای ناظر بر ارتشا و اختلاس بر اشخاص حقوق خصوصی به صرف همکاری غیرسازمانی با نهادی دولتی یا عمومی محل تأمل است که امید است این مورد نیز در ادوار تقنینی آتی اصلاح گردد.

۳) به نظر می‌رسد یکی دیگر از معایب موجود، در ماده ۲۹ حکمی درباره مطالبه خسارات دادرسی مقرر شده که مطابق آن در صورتی که بستانکار یا مدعی حق، برای مطالبه طلب یا حق خود، اظهارنامه به خوانده ارسال نکند، حق مطالبه خسارات دادرسی را نخواهد داشت. چنین حکمی نوعی تضییق و تضییع حق برای خواهان محسوب می‌شود. همچنین در صورتی که خوانده دین را نپردازد یا انکار نکند یا به اظهارنامه خواهان پاسخ ندهد، ملزم به پرداخت طلب ادعایی خواهان خواهد شد که به منزله فرض مدیونیت برای خوانده به صرف پاسخ ندادن به اظهارنامه است که امید است در ادوار تقنینی آتی این مهم نیز رفع گردد.

۴) پیشنهاد می‌گردد که مقنن به موضوع مرور زمان در اسناد تجاری به دلیل گستره این نوع اسناد توجه ویژه‌ای نماید و ضمانت اجرا و تقسیمات زمانی مناسبی را در این زمینه وضع نماید. چرا که عدم جامعیت احکام قانونی و ابهاماتی که در زمینه مرور زمان اسناد براتی در حقوق ایران به چشم می‌خورد، اختلاف نظرهایی را در دکترین و رویه قضایی به وجود آورده است. اصولاً استدلال سستی چنین بوده که، اولاً مقررات سخت گیرانه براتی به منظور خوش حساسی و سهولت وصول مبلغ در موعد سند، و ثانیاً تعدد اشخاص مسئول به جهت گردش آسان بروات، اقتضای روشن شدن سریع وضع حقوقی امضاء کنندگان را دارند، تا اینکه از اجرای حق رجوعهای قانونی برای مدتی طولانی و نامعلوم اجتناب گردد. به این جهت، مرور زمان‌های کوتاه براتی بر فکر «اماره پرداخت به نفع بدهکار» استوار است. پس اقرار مدیون، قانوناً می‌تواند این فرض قانونی را ساقط نموده و سبب انقطاع مرور زمان باشد.

۵) دیونی که مشمول مرور زمان شده اند در حقیقت فاقد ضمانت اجرایی که یکی از ارکان متشکله حق است می‌باشد و متعهد له نمی‌تواند از قوای اجرایی برای استیفای طلب خود کمک بخواهد. مرور زمان باعث می‌شود که دین، قوه قانونی خویش را از دست داده و به حقی اخلاقی و وجدانی مبدل گردد که متعهد اگر بخواهد می‌تواند با میل خویش آن را پرداخت نماید، از این رو مناسب است قانونگذار ضمانت اجرای مناسبی را در این زمینه وضع و تقنین نماید.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

The transformation of commercial litigation through legislative advancements is a crucial step in aligning national legal frameworks with global best practices. The Commercial Procedural Code Bill in Iran, which has been recently introduced, aims to modernize the adjudication of commercial



disputes by incorporating mechanisms such as the establishment of specialized commercial courts, the facilitation of electronic litigation, the inclusion of commercial advisors, and the reform of bankruptcy dispute resolution. This bill has been significantly influenced by the French Civil Procedure Code, reflecting an effort to synchronize Iranian commercial litigation principles with international standards. The present study seeks to conduct a comparative analysis of the transformations within the Commercial Procedural Code Bill with an emphasis on French law, using an analytical-descriptive and comparative method. Through this examination, the study highlights that despite legislative advancements, the bill effectively upholds the principles of commercial litigation and aligns with the rules of legally developed countries in commercial law. However, certain distinctions and similarities persist between the legal frameworks of Iran and France, which necessitate further exploration to evaluate the efficacy and applicability of these provisions in the Iranian judicial context.

The development of commercial courts, as stipulated within the bill, is a response to the growing complexity of commercial disputes and the necessity for specialized adjudication. According to (Shams, 2024), the efficiency of judicial proceedings in commercial litigation is contingent upon the establishment of dedicated courts that possess jurisdiction over commercial matters, a principle that has been long upheld within the French legal system. In France, commercial courts operate under specialized procedural rules, ensuring expeditious and expert adjudication of trade-related disputes (Vincent & Guinchard, 2003). Similarly, the Iranian bill proposes the formation of commercial courts in major judicial districts, allowing for a more structured and business-friendly litigation process. However, a critical analysis reveals that while Iran's bill aspires to align with international norms, it does not completely mirror the French system, particularly in terms of the selection and composition of judges. In France, commercial judges are often elected from within the business community, whereas in Iran, judicial appointments remain within the purview of the judiciary, raising questions regarding the extent to which commercial expertise is adequately represented within the Iranian framework (Ripert & Roblot, 1991).

Electronic litigation, another fundamental innovation within the bill, signifies a major shift toward digitalization in commercial dispute resolution. The adoption of electronic evidence and remote legal proceedings has been extensively explored in jurisdictions such as France, where electronic litigation has been integrated into judicial practices to enhance procedural efficiency (Guinchard et al., 2014). The Iranian bill explicitly recognizes the validity of electronic documents and online dispute resolution mechanisms, positioning it in line with international best practices. However, concerns regarding the practical implementation of such digital measures in Iran remain prevalent, particularly concerning data security, digital literacy among legal practitioners, and the readiness of judicial infrastructure to support a fully digitalized litigation system (Bléry, 2018). Furthermore, the introduction of electronic litigation raises significant jurisprudential and procedural challenges, particularly regarding the authentication of digital evidence and the protection of litigants' rights in virtual proceedings. While the French legal system has established comprehensive guidelines to address these challenges, the Iranian bill requires further refinements to ensure a seamless transition toward digital commercial adjudication.

The inclusion of commercial advisors in litigation processes constitutes another transformative aspect of the bill. Drawing from the French model, the bill emphasizes the role of expert consultants in assisting judges in complex commercial cases. In France, the use of commercial advisors is an established practice aimed at integrating industry-specific knowledge into judicial decision-making (Xavier, 2000). However, in Iran, the integration of commercial advisors within judicial proceedings

remains an evolving concept, with the bill outlining specific criteria for their selection and role in commercial courts. Notably, the bill stipulates that commercial advisors must possess extensive experience in trade and business practices, a provision that aligns with international standards yet requires further institutional support to ensure its effective implementation (Karimi & Sharifi, 2014). Additionally, while the French system allows commercial advisors to participate actively in deliberations, the Iranian framework restricts their role to advisory functions, raising concerns regarding the extent to which their expertise will influence judicial outcomes.

Bankruptcy dispute resolution is another critical area addressed within the bill, incorporating several procedural reforms inspired by the French legal framework. In France, bankruptcy proceedings are governed by a comprehensive set of regulations that facilitate creditor protection, debtor rehabilitation, and the efficient liquidation of insolvent entities (Saqri, 2008). The Iranian bill introduces key modifications to bankruptcy adjudication, including the standardization of insolvency proceedings and the enhancement of creditor rights. However, notable differences persist between the two jurisdictions, particularly regarding the role of the judiciary in overseeing bankruptcy cases. While the French system places significant emphasis on creditor committees and financial oversight bodies, the Iranian framework maintains a more judiciary-centric approach, granting courts extensive authority over bankruptcy proceedings (Najarha, 2022). This divergence underscores the need for further refinement within the Iranian bill to balance judicial oversight with financial autonomy in bankruptcy cases.

A comparative examination of the procedural timelines and legal formalities associated with commercial litigation further highlights significant variations between Iranian and French law. In France, procedural deadlines are strictly enforced to ensure expeditious case resolution, with mechanisms in place to prevent undue litigation delays (Mohajeri, 2013). The Iranian bill adopts a similar approach by establishing precise timelines for various stages of commercial litigation, yet concerns remain regarding the enforceability of these provisions within the existing judicial infrastructure. Moreover, the French legal system employs stringent criteria for admissibility and evidence presentation, whereas the Iranian framework, despite its emphasis on procedural efficiency, lacks comprehensive enforcement mechanisms to deter frivolous litigation (Heydari Abandansari, 2013). These differences raise important considerations regarding the practical application of procedural reforms in Iran and the extent to which they will effectively streamline commercial litigation.

In conclusion, the Iranian Commercial Procedural Code Bill represents a significant step toward modernizing commercial litigation in alignment with international legal standards. By incorporating key procedural innovations such as the establishment of commercial courts, electronic litigation, commercial advisory roles, and bankruptcy dispute resolution mechanisms, the bill seeks to enhance the efficiency and effectiveness of commercial adjudication in Iran. However, comparative analysis with the French legal system reveals both similarities and disparities that necessitate further refinement of the bill to ensure its successful implementation. While the bill draws heavily from the French Civil Procedure Code, certain legislative gaps persist, particularly concerning judicial specialization, digital litigation infrastructure, and procedural enforcement. Addressing these gaps will be essential in realizing the full potential of the bill and fostering a more robust commercial legal framework in Iran. Future legislative amendments should focus on enhancing the practical applicability of procedural reforms, ensuring judicial expertise in commercial matters, and strengthening the legal infrastructure necessary for the seamless integration of digital litigation.

Through these measures, Iran can establish a more efficient and globally competitive commercial litigation system that aligns with best practices in international commercial law.

## References

- Amid, H. (2007). *Amid Dictionary* (Vol. 1). Tehran: Amir Kabir.
- Beheshti, M. J., & Mardani, N. (2015). *Civil procedure law* (Vol. 2). Tehran: Mizan.
- Bléry, C. (2018). Summons or placing on the roll for referral to a court. *Actualité-Dalloz*.
- Darvishi Hoveyda, Y. (2013). A reflection on conciliation as a friendly method for resolving disputes in international commercial law. *Legal Studies*, 16(4).
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary* (Vol. 22). Tehran: Tehran University Press.
- Dekeuwer-Défossez, F. (1990). *Commercial law*. Paris: Montchrestien.
- Fouchard, P., Gaillard, E., & Goldman, B. (1996). *Treatise on international commercial arbitration*. Litec, Paris.
- Guinchard, S., Chainais, C., & Ferrand, F. (2014). *Civil procedure: Domestic law and European Union law*.
- Hatami, A. A., & Zakeri, M. V. (2000). Revival of "statute of limitations" in the legal system of the Islamic Republic of Iran. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 48.
- Hayati, A. A. (2011). *General principles of civil procedure law*. Tehran: Mizan.
- Heydari Abandansari, S. N. (2013). *Comparative study of conciliation in Iranian law and the UNCITRAL conciliation law* Master's thesis, University of Gilan].
- Hosseini Ameli, M. J. (2012). *Miftah al-Karamah* (Vol. 4). Cairo: Dar al-Ahya al-Turath al-Arabi.
- Jafari Langroudi, M. J. (1997). *Legal encyclopedia* (Vol. 4). Tehran: Amir Kabir Publishing Institute.
- Jafari Langroudi, M. J. (2024). *Terminology of law*. Tehran: Ganj Danesh.
- Karimi, H., & Sharifi, M. (2014). *Civil procedure law*. Tehran: Mizan.
- Marashi Shushtari, S. M. H. (1997). *New perspectives in law* (Vol. 2). Tehran: Mizan.
- Matin Daftari, A. (1958). *Civil procedure law* (Vol. 3). Tehran: Tehran University.
- Mo'in, M. (2006). *Persian dictionary*. Tehran: Rah Roshd.
- Mohajeri, A. (2013). *Comprehensive civil procedure law* (Vol. 2). Tehran: Fekr Sazan.
- Najafi Jawahiri, M. H. (1983). *Jawahir al-Kalam* (Vol. 8). Beirut: Dar al-Kutub.
- Najarha, H. (2022). Comparative approach to the procedure of filing a lawsuit. *Civilization of Law*, 5(11).
- Poudret, J. F., & Besson, S. (2001). *Comparative law of international arbitration*. L. G. D. J, Paris.
- Qal'aji, M. (2029). *Dictionary of the Language of Jurists* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Nafa'is for Printing, Publishing, and Distribution.
- Raghib Isfahani, H. b. M. (2022). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran* (Vol. 1). Damascus: Dar al-Qalam.
- Ripert, G., & Roblot, R. (1991). *Treatise on commercial law* (Vol. 1). Paris: L.G.D.J.
- Sadrzadeh Afshar, S. M. (2011). *Civil and commercial procedure law* (Vol. 3). Tehran: Jihad University Publishing Institute (Majid).
- Saqri, M. (2008). *Commercial law of documents*. Tehran: Joint Stock Companies Publication.
- Shahidi, M. (1989). *The fall of obligations*. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Shakeri, F. (2010). *Commercial courts and commercial procedure: The philosophy of emergence* Master's thesis, University of Tehran].
- Shams, A. (2024). *Civil procedure law* (Vol. 1 & 2). Tehran: Darak Publishing.
- Shokouhi Zadeh, R. (2021). The time of establishing a legal relationship in litigation and its effects in Iranian and French law. *Legal Studies*, 13(3).
- Vahedi, Q. (2008). *Civil procedure law* (Vol. 1). Tehran: Mizan.
- Vincent, J., & Guinchard, S. (2003). *Civil Procedure*. Paris.
- Xavier, L. (2000). *Droit Commercial*. Zed, Paris: Monthnestien.
- Zarkalam, S. (2014). *E-commerce law*. Tehran: Shahr Danesh.